

تشکیلات افقی حزبی یا تشکیلات عمودی حزبی؟ - بخش پنجم

24 - از آنجائیکه شریعتی تکوین آن خودآگاهی که عامل اعتلا و تکوین جنبش‌های چهارگانه می‌شود را توسط انتقال دیالکتیک کنکریت هر جمعی به احساس آن جمع می‌داند، لذا مثلاً برای اعتلای جنبش دموکراتیک ایران ما مجبوریم دیالکتیک اجتماعی کنکریت دانشجویان یا دانش‌آموزان یا زنان ایران را و... با زبان خودشان وارد احساس آن‌ها بکنیم و از آنجائیکه زبان هر تیپ اجتماعی بیش از هر کس افراد آن تیپ می‌داند نه روشنفکر مجرداندیش ذهنی، پس بهتر است که تشکیلات عمودی پیشگام مستضعفین ایران برای مشخص کردن افرادی که بتوانند به عنوان نیروی محرکه این انتقال باشند از خود همان تیپ اجتماعی انتخاب بکند و مورد آموزش و پرورش قرار دهد، البته در بستر همان کار و زندگی و کارخانه و مزرعه و اداره نه به صورت ذهنی و مجرد و مکانیکی (آنچنانکه نشر مستضعفین در سال‌های 58 و 59 و 60 انجام می‌داد و با مجرد کردن افراد از زندگی‌شان و حرفه‌ائی کردن آن‌ها در تشکیلات عمودی می‌کوشید توسط آموزش زبان روشنفکرانه به آن‌ها از بیرون آن‌ها را به جنبش خودشان تزریق بکند که این کار غلطی بود).

25 - شریعتی معتقد است که برای اعتلای جنبش کارگری یا جنبش سوسیالیستی ایران ما مجبوریم توسط یک نشریه یا وسیله دیگری دیالکتیک خاص طبقه کارگر ایران را وارد احساس طبقه کارگر ایران بکنیم تا اعتلای جنبش کارگری ایران ممکن گردد. طبیعی است که در این رابطه محصول کار خودآگاهی طبقاتی می‌باشد نه خودآگاهی سیاسی یا خودآگاهی اجتماعی، ولی آنچه که در این رابطه حائز اهمیت است این حقیقت است که این خودآگاهی طبقاتی در بستر جنبش کارگری خود به خود بدل به خودآگاهی سیاسی می‌شود و در این رابطه است که خودآگاهی سیاسی مثلاً طبقه کارگر ایران اگر چه از دل خودآگاهی صنفی و طبقاتی او حاصل می‌شود، در تحلیل نهائی با خودآگاهی سیاسی دانشجوی و دانش‌آموز و زنان و کارمندان به صورت تاکتیکی و کوتاه مدت می‌تواند چهره واحدی به خود بگیرند و در بستر مبارزه اجتماعی به صورت مشترک عمل نمایند.

26 - شریعتی معتقد است که برای اعتلای جنبش اجتماعی ایران توسط اقلیت‌های قومی و زبانی و مذهبی تا حاشیه تولید و قشر متوسط شهری و روستائی ما از آنجائیکه برعکس تیپ‌های دیگر اجتماعی مثل کارگران و دانشجویان و... (که دیالکتیک اجتماعی آن‌ها صورت واحدی دارند)، این جریان اجتماعی حالت طیفی دارند و همین وضعیت طیفی آن‌ها باعث می‌گردد تا دیالکتیک هر بخش از این طیف با دیالکتیک اجتماعی بخش دیگر متفاوت باشد؛ لذا جهت اعتلای جنبش اجتماعی ما مجبوریم بر حسب شرایط خاص اجتماعی به آرایش دیالکتیک بخش‌های مختلف این طیف پردازیم و توسط آن آرایش دیالکتیک‌های اجتماعی، دیالکتیک آن بخشی را عمده کنیم که در آن شرایط تاریخی و زمانی و اجتماعی در آن جنبش اجتماعی فعال‌تر می‌باشد و زمینه عینی اعتلا پذیری آن‌ها بیشتر است.

27 - از نظر شریعتی هرگز ما نمی‌توانیم توسط یک دیالکتیک عام مثل ناسیونالیسم ایرانی یا جنبش ملی - مذهبی به اعتلای جنبش‌های چهارگانه فوق پردازیم، تا توسط آن شرایط جهت انجام سازمان‌گری افقی فراهم گردد؛ و لذا جایگزین کردن دیالکتیک‌های ذهنی و موهوم ملی یا مذهبی به جای دیالکتیک‌های واقعی تیپ‌های مختلف اجتماعی امری منحرف کننده می‌باشد.

28 - بنابراین از نظر شریعتی انجام سازمان‌گری افقی در گرو تقدم تکوین سازماندهی عمودی می‌باشد و سازماندهی عمودی بر پایه تشکیلات پیشگام حاصل می‌شود. اما نکته‌ای که در این رابطه نباید از نظر دور بداریم اینکه این تقدم یک تقدم زمانی می‌باشد نه تقدم ارزشی، و لذا اگر از نظر ارزش بخواهیم به آرایش این دو نوع سازماندهی و تشکیلات پردازیم طبیعی است که تشکیلات افقی بر تشکیلات عمودی متقدم می‌شود و به این علت است که تا زمانیکه این رابطه ارزشی بین این دو نوع تشکیلات برقرار گردد، تشکیلات حزبی می‌تواند دارای روند صحیحی باشد.

29 - شریعتی معتقد است که برای تشکیل حزب باید به صورت یک پروسه دو مرحله‌ای عمل بکنیم. ابتدا با تکوین تشکیلات هرمی و عمودی توسط قوانین علمی رهبری جمعی که عبارتند از:

الف - انتخابی بودن اعضای نهادهای حزب از پائین تا بالا توسط افراد زیر مجموعه آن نهاد.

ب - اجرای اصل گزارش خواهی و گزارش دهی در کلیه نهادهای جزئی و کلی حزب.

ج - اجرای اصل تعهدپذیری و مسئولیت فردی در سرتاسر تشکیلات حزب.

د - انجام اصل انتقاد و انتقاد از خود توسط تمام افراد حزب.

ه - اطاعت از نظم و قانون واحد توسط تمامی افراد.

و - تابعیت اقلیت از اکثریت در تصمیم‌گیری‌های حزبی.

ز - اجرای اصل تقسیم کار در کل تشکیلات حزب.

ط - آموزش مستمر همگانی برای کلیه افراد حزب و... به سازماندهی نیروهای پیشگام مستضعفین پردازیم و سپس بر پایه این تشکیلات با انتقال دیالکتیک کنکریتهای تیپ‌های چهارگانه دمکراتیک، سیاسی، سوسیالیستی و اجتماعی ایران به احساس آنها شرایط جهت اعتلای جنبش‌های چهارگانه فراهم بکنیم. پر واضح است که در چنین تشکیلات عمودی اولاً هر فرد دارای صلاحیتی می‌تواند مراتب تشکیلاتی را طی بکند در ثانی از نظر رای در هر مرتبه تشکیلاتی که باشد با افراد دیگر داری مرتبه واحدی می‌باشد در ثالث اینچنین تشکیلات حزبی یک تشکیلات برنامه‌ای می‌باشد نه یک تشکیلات ایدئولوژیک.

30 - شریعتی معتقد است که در ایران یک جامعه واحد نداریم بلکه آنچنانکه گوروچ می‌گوید جامعه‌ها داریم. اما این جامعه‌های ایرانی می‌توانند در یک تقسیم بندی کلی به جامعه طبقاتی که شامل طبقه زحمت کش و طبقه بورژوازی و قشر متوسط خرده بورژوازی می‌شوند؛ و جامعه دمکراتیک داریم که شامل دانشجویان و دانش آموزان و زنان و کارمندان و... می‌باشند؛ و جامعه اجتماعی داریم که شامل اقلیت‌های قومی از کرد و بلوچ و لر و عرب و... گرفته تا سنی و ارمنی و کلیمی و زرتشتی؛ و جامعه سیاسی که شامل جریان‌های مختلف و رنگارنگ سیاسی می‌باشند که این چهار جامعه دارای چهار دیالکتیک مختلف می‌باشد که انتقال این دیالکتیک‌ها به احساس این چهار جامعه باعث تکوین و اعتلای چهار جنبش دمکراتیک، سوسیالیست، سیاسی و اجتماعی می‌شود.

31 - شریعتی معتقد است که تشکیلات عمودی حزب پیشگام مستضعفین موظف است ذهنیت خود را پیوسته در بستر پراکسیس با این جوامع چهارگانه شکل بدهد، نه به صورت مجرد و خارج از گود نشستن.

32 - شریعتی هر گونه حزبی که تحت نام او اعلام بشود (نه تحت استراتژی او که عبارت است از حاکمیت سیاسی - اقتصادی زحمت کشان ایران) مردود می‌داند.

33 - شریعتی حتی حاضر نیست اندیشه و فکر و کلام خود او را هم به خود او منسوب کنیم. چراکه از نظر او یک اندیشه وقتی که از انتصاب به گوینده او دور گردد می‌تواند دارای حیات تاریخی بشود.

34 - شریعتی، ما را از هر گونه کیش شخصیت در دیسکورس حزبی دور می‌دارد.

35 - آنچنانکه نشر مستضعفین در طول 35 سال گذشته حیات سیاسی خود (از سال 55 13 که سال تکوین نشر مستضعفین می‌باشد تا این تاریخ) اعلام کرده است، استراتژی حزبی شریعتی بر پایه اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی گرچه فرآیند سوم و نهائی استراتژی شریعتی می‌باشد ولی تنها استراتژی علمی و تحول آفرین و تغییرساز شریعتی می‌باشد (البته آنچنانکه شریعتی در تمامی محورهای فکری اش نشان داده اولاً خود کاشف اندیشه خود بوده است و در هیچ جا تقلیدی عمل نکرده است در ثانی بزرگ‌ترین منتقد اندیشه شریعتی همیشه خود شریعتی بوده است و رمز تاریخی شدن اندیشه شریعتی در همین امر نهفته است که شریعتی همیشه در حال نقد اندیشه خود بوده و هیچ اندیشه شریعتی نبوده که از آغاز حیات سیاسی یا فکری اش تا آخر حیاتش توسط خود شریعتی متحول و متکامل نشده باشد و همین امر رمز ماندگاری و حیات دار بودن اندیشه شریعتی است و لذا همین امر باعث گردیده تا از آغاز حرکت سیاسی و فکری شریعتی هیچ منتقدی نتواند مانند خود شریعتی به صورت علمی و منطقی اندیشه خود را نقد و سلاخی بکند). علی‌ایحال در خصوص استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی هم از آنجائیکه کاشف این تئوری خود شریعتی می‌باشد، لذا این امر باعث گردیده تا این تئوری دو مؤلفهائی تشکیلات افقی و تشکیلات عمودی قابل مقایسه با دیگر تئوری‌های کلاسیک حزبی شرق و غرب و داخل و خارج ایران نباشد. که خود این موضوع باعث گردیده تا حتی بسیاری از هواداران اندیشه او به علت عدم فهم استراتژی شریعتی حرکت شریعتی را یک حرکت غیر قابل تشکیلاتی بدانند.

36 - آنچنانکه فوقاً مطرح کردیم اولین مشخصه استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی شریعتی دو مولفهائی بودن این استراتژی است، و دومین مشخصه این استراتژی اصلی بودن تشکیلات افقی و تابع بودن تشکیلات عمودی آن می‌باشد، و سومین مشخصه این استراتژی عبارت است از اینکه تشکیلات افقی حزبی باید در بستر پراکسیس اجتماعی یا جنبش‌های چهارگانه اجتماعی، دموکراتیک، سوسیالیستی و سیاسی انجام گیرد، و چهارمین مشخصه این استراتژی اینکه تشکیلات هرمی یا عمودی فقط خاص پیشگام مستضعفین ایران می‌باشد که وظیفه استارت تشکیلات افقی به عهده آن‌ها است، و پنجمین مشخصه این استراتژی عبارت است از اینکه در تحلیل نهائی تشکیلات عمودی باید در تشکیلات افقی حل شود نه بالعکس، و ششمین مشخصه این استراتژی اینکه تشکیلات عمودی برای اینکه گرفتار بوروکراسی نشود باید پیوسته توسط نقد درونی و پیوند با تشکیلات افقی حالت دینامیک خود را حفظ نماید؛ لذا در این رابطه است که هر گونه حرکتی که در این جامعه بخواهد بر پایه اندیشه شریعتی دست به تشکیل حزب بزند برای اینکه گرفتار

آفت‌های متعارف تاریخ تحزب‌گرایی صد ساله گذشته این کشور نشود مجبور است که این مشخصه های شش گانه استراتژی حزبی شریعتی را مراعات کند.

37 - هر حرکتی که بخواهد تنها توسط تئوری تشکیلات عمودی حزبی شریعتی در این جامعه اقدام به تشکیل حزب در راستای اندیشه شریعتی بکند، علاوه بر اینکه حزب آن‌ها گرفتار آفت بوروکراسی خواهد شد قطعا به جای اینکه این حزب در راستای سازمان‌گری افقی جنبش‌های چهارگانه عمل نماید به صورت ابزار کسب قدرت برای رهبران قدرت طلب آن در خواهد آمد.

38 - هر جریانی که بخواهد به جای استراتژی شریعتی که عبارت است از حاکمیت سیاسی و اقتصادی مستضعفین ایران تحت نام شخص شریعتی یا آرمان شخص شریعتی، اندیشه و حرکت شریعتی را گرفتار زندان کیش شخصیت شریعتی بکند محکوم به شکست است و حزبی که در این راستا تکوین پیدا می‌کند از آغاز مرده دنیا خواهد آمد.

39 - در استراتژی تحزب‌گرایی شریعتی اصلا ما با ترم روشنفکر به معنای کلاسیک و غیر کلاسیک آن روبرو نیستیم (جنگ حیدر و نعمتی که امروز در جامعه ما توسط مصطفی ملکیان، عبدالکریم سروش، محسن کدیور و... به راه افتاده و هر کدام مغازه دو نبشی در این رابطه برای خود باز کرده‌اند، بطوریکه کدیور می‌گوید: «روشنفکر اسلامی» و مصطفی ملکیان می‌گوید: «نواندیش دینی» و عبدالکریم سروش می‌گوید: «روشنفکر دینی» و ملی مذهبی‌ها می‌گویند: «روشنفکر مذهبی» و الی ماشاء الله). به قول مولوی:

با خیالی صلحشان و جنگشان / با خیالی نامشان و ننگشان

چشم باز و گوش باز این عمی / حیرتم از چشم بندی خدا

راه هموار است و زیرش دام‌ها / قحطی معنی میان نام‌ها

لفظها و نام‌ها چون دام‌هاست / لفظ شیرین ریگ آب عمر ما ست - مثنوی - دفتر اول - صفحه 24 - سطر 16.

آنچه در استراتژی تحزب‌گرایی شریعتی موضوع تشکیلات عمودی حزب واقع می‌شود پیشگام است (شریعتی ترم پیشگام مستضعفین را از این روایت استنتاج کرده است که: «کونوا مع الناس و لا تكونوا مع الناس» - با مردم باشید اما با مردم نشوید) که نه به عنوان رهبر حرکت مردم، بلکه در بستر تشکیلات عمودی به عنوان هدایتگر تشکیلات افقی عمل می‌کنند. در این رابطه است که شریعتی به نقل از روسو می‌گوید: «به مردم راه نشان ندهید دیدن پیام‌زید خود راه را خواهند شناخت». قابل توجه است که عنوان نام سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفین ایران برای تشکیلات عمودی استراتژی تحزب‌گرایی نشر مستضعفین در سال 1355 در این رابطه قابل تبیین می‌باشد.

40 - بنابراین استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی شریعتی به لحاظ تشکیلاتی می‌توانیم به جای طرح تشکیلات عمودی و تشکیلات افقی به صورت تشکیلات پیشگام که همان تشکیلات عمودی می‌باشد و تشکیلات جنبش که همان تشکیلات افقی است مطرح کنیم. که کار تشکیلات پیشگام همان «کونوا مع الناس و

« لا تكونوا مع الناس » می‌باشد و کار تشکیلات جنبش همان « يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ - ای اهل ایمان هم خود مقاومت کنید و هم دیگران را به مقاومت سفارش نمائید و بین نیروهایتان پیوند و رابطه برقرار کنید تا پیروز شوید - آیه 200 - سوره آل عمران»، می‌باشد.

41 - موضوعی که هرگز نباید در این رابطه فراموش کرد این حقیقت است که جنبش‌های چهارگانه ایران در طول صد سال گذشته تاریخ جنبش نشان داده‌اند که هرگز نمی‌تواند با تشکیلات عمودی و دستوری سازماندهی بشود، و لذا تا زمانی که نتوانیم این جنبش‌های چهارگانه را سازماندهی افقی بکنیم صد تا انقلاب هم که بکنیم باز آش همان آش است کاسه همان کاسه. علت اینکه جنبش اجتماعی خرداد ماه 88 شکست خورد این بود که جنبش سوسیالیستی یا کارگری ما سازماندهی نشده بود، لذا این جنبش نتوانست با جنبش اجتماعی خرداد 88 پیوند پیدا کند، اگر آنچنانکه میرحسین موسوی در تظاهرات چهار میلیون نفری 25 خرداد ماه 88 توسط بلندگوی دستی در خیابان آزادی تهران رژیم مطلقه فقهاتی را تهدید به اعتصاب کارگری کرد، می‌توانست جنبش سبز را از فرآیند جنبش اجتماعی به فرآیند اعتصابات جنبش کارگری و سوسیالیستی ایران متصل کند، قطعاً کار رژیم مطلقه فقهاتی تمام بود. آنچنانکه ما این موضوع در اعتصابات کارگری 18 شهریور 57 آزمایش کردیم و دیدیم که چگونه در روز 18 شهریور 57 با پیوند اعتصاب کارگران شرکت نفت به جنبش اجتماعی ضد استبدادی همه چیز تمام شد. بنابراین رمز موفقیت ما در تداوم جنبش‌های چهارگانه است، و رمز تداوم جنبش‌های چهارگانه در سازماندهی این جنبش‌ها نهفته است، و رمز سازماندهی این جنبش‌ها تکیه بر مدل سازماندهی افقی می‌باشد و برای انجام سازماندهی افقی ما مجبوریم قبلاً توسط سازماندهی عمودی پیشگامان جنبش را سازماندهی بکنیم.

ادامه دارد